

تعطیلات و افزایش ساعات کار خانگی

Photo: kadettmann/depositphotos.com

ماهرخ غلامحسین پور

مهمان‌ها تا دیر وقت شب می‌نشینند و پاسی از شب گذشته است که با دیدن خمیازه‌های پسرک شش ساله، خانه را ترک می‌کنند. مرد بشقاب پوست پرتقالش را همان جا روی میز ناهارخوری جا می‌گذارد و می‌گوید: «وای که چه قدر کسالت بار بود. دارد صبح می‌شود. من که رفتم بخوابم»....

و بعد صدای لخ لخ دمپایی‌هایش می‌آید روی کف‌پوش راهرویی که منتهی به اتاق‌هاست.

زن برمی‌گردد توی آشپزخانه. لیوان‌ها را یکی‌یکی وارونه می‌کند، می‌چیندشان در ماشین ظرف‌شویی. یک عالم خرده نان پخش و پلا شده‌اند زیر میز. یک ظرف نیم خورده آش شب مانده هم روی اجاق است که یک کپه پوست پرتقال و تخمه رویش جا مانده.

اول باید آشغال‌ها را جمع کند. تنها راه عادی کردن فضای آشپزخانه همین است. سطل آشغال سر ریز شده را به سختی می‌کشاند تا پشت در آپارتمان و پلاستیکش را گره می‌زند. ظرف‌ها را که سامان می‌دهد، می‌رود سراغ رخت و لباس‌هایی که به محض ورود به خانه از تنشان درآورده‌اند و چهار طرف اتاق نشیمن پرتاب کرده‌اند. چرک‌ها را جدا می‌کند و می‌چپاند توی حفره ماشین لباسشویی و بقیه را تا می‌زند. تمام سلول‌های تنش کمرخت و دردناک‌اند اما حتی کمرختی دست‌هایش مانع از آن نمی‌شود که همزمان فکر نکند به اینکه آفتاب عالم‌تاب که تابید و اهل خانه که صبحانه‌شان را خوردند و ظرف‌های صبحانه را که شست، باید فاکتورهای خرید سه ماه گذشته شرکت را جمع ببیند، ثبت و بایگانی و شماره‌گذاری‌شان کند و ببرد تحویل حسابداری اداره بدهد.

با وجود ایام تعطیلات قرار گذاشته‌اند در طول تعطیلی، هم کارمندان مرد و هم کارمندان زن، بخشی از کارهای عقب مانده اداره را در خانه سر و سامان بدهند.

نظافت ادامه دارد

کف توالت پر از لکه‌های زرد رنگ ادرار و خرده دستمال کاغذی‌های پراکنده است. خم می‌شود و کف توالت را کهنه می‌کشد. همزمان فکر می‌کند در بهترین شکلش اگر که عید نباشد، آخر هفته نباشد، خانواده او یا دوستانشان را مهمان نکرده باشند یا وقت دیدارهای دوره‌ای مرد با همکارانش نباشد، همین که خودشان باشند و خودشان، هر روز دست کم ۷۱ لیوان کثیف می‌کنند که در ۰۶ سال می‌شود به عبارتی ۵۲۵ هزار و ۰۰۶ لیوان.

پرده را می‌کشد و فکر می‌کند به این ۵۲۵ هزار و ۰۰۶ لیوان که چقدر از طول و عرض زندگی‌اش را پر کرده‌اند و می‌کنند؟

اهالی خانه گاهی از سر اتفاق و اگر عشقشان کشید، خودشان لیوانشان را آب می‌کشند و می‌گذارند توی سینک و او سعی می‌کند تعداد تقریبی آنها را از جمع کل لیوان‌ها کم کند. همسرش و بچه‌ها خوابیده‌اند و روشنی سپیده دارد آرام آرام از درز کرکره‌های پنجره آشپزخانه به زور خودش را جا می‌کند گوشه و کنار اتاق. زیر کتری چای را روشن می‌کند. باید برود نان و پنیر بخرد. چیزی از مهمانی شب قبل نمانده. صبح علی‌الطالع روز قبل که شروع کرد به بار گذاشتن گوشت و خیساندن برنج و راهی خرید شد، تا حالا که چیزی قریب به ۰۲ ساعت گذشته، برای یک لحظه هم نخوابیده است. جملگی خوابند که می‌رود خرید روزانه.

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

اولین روز از روزهای تعطیلاتش بی‌وقفه به روز قبل از آن وصل شده. استکان‌ها را می‌چیند روی رف آشپزخانه. دارد ظهر می‌شود. پسرش وقتی زن برای خرید نان تازه بیرون از خانه بوده، آنجا را ترک کرده و حالا صدای پیامکش می‌آید.

لابد همسرش بیدار شده و دارد روزنامه‌های روز قبل را مرور می‌کند. عادت دارد روز تعطیل توی رختخوابش بماند و پست‌های حقوق بشری بگذارد روی صفحه توئیترش.

برای زن پیامک فرستاده که: «عزیزم، عیدت مبارک! بیا امسال را سخت نگیر، شاد باش و آرام که عمر بسیار کوتاه است...»

این بار صدای لُخ لُخ دمپایی‌های مرد می‌آیند که دارد نزدیک می‌شود. از ته راهرو نگاهی می‌اندازد به در بازمانده اتاق پسرشان و می‌پرسد: «باز هم بی‌صبحانه رفت؟ به نظرم این عادت مزخرف و کاهلانه بی‌توجهی به وعده صبحگاهی بچه‌ها آخرش کار دستان می‌دهد. من که بچه بودم مادرم واقعا از این سستی‌ها نداشت. صبحانه‌مان مثل کلام خدا بی‌غلط بود.»

دارد به برگه‌های حسابداری و فاکتورها، به کیسه زیاله‌ای که جابه‌جا کردنش توان زیادی می‌خواهد، به پسرش که صبحانه نخورده از خانه بیرون رفته، به اینکه ناهار چه بپزد، به اینکه برای دید و بازدید بعد از ظهر چه بخرد که بودجه‌شان به انتها نرساند و به خیلی چیزهای دیگر فکر می‌کند.

•••

اولین روز از روزهای تعطیلش گذشته، ظاهرا همه چیز خوب پیش می‌رود و امروز هم یک روز عادی مثل دیروز است. او که یک زن-مادر مانده در هزارتوی انتظارات سنتی از نقشی است که جنسیتش به او داده، دستش را می‌گیرد به دسته صندلی تا فرو نلغزد کف آشپزخانه.

مدل امروز خانواده و اضافه بار کمرشکن زنان

مدل قدیمی خانواده یعنی مرد نان‌آور و زن خانه‌دار، مانع مشارکت زنان در فرآیند توسعه اجتماعی و اقتصادی و بستری برای عقب‌ماندگی زنان محسوب می‌شد.

امروزه الگوی سنتی جوامع انسانی از زن خانه‌دار با نقش‌های متفاوتی چون زن معلم و تربیت‌کننده کودکان، زن مدیر داخلی با مسئولیت رسیدگی به امور خانواده، زن حسابدار برای هماهنگی هزینه‌ها، زن مشاور، زن باغبان و چندین و چند سمت متعدد دیگر، به الگوی زن خانه‌دار با حفظ کلیه سمت‌های بالا به علاوه زنی که بیرون از چهاردیواری خانه درآمدزایی هم می‌کند تغییر یافته و زن‌ها را درگیر «اضافه‌بار نقش‌های متعدد» در زندگی کرده است.

با مدرن شدن جوامع انسانی، زن‌ها وارد حیطه نان‌آوری و درآمدزایی شدند و نقش‌های جدیدی پذیرفتند اما مردان جوامع انسانی در جریان این تغییر به ندرت تن به کارهای خانگی دادند. به این ترتیب زنان علاوه بر نقش‌های سنتی، نقش نان‌آوری و درآمدزایی را هم بر عهده گرفتند.

کار خانگی با همه دشواری‌هایش هرگز به عنوان یک شغل به رسمیت شناخته نشده است. به همین دلیل هم متضمن مزد و درآمد، حق سنوات و بازنشستگی، اضافه کار یا حقوق و منفعت مالی نبوده است.

آنجلا دیویس، پژوهشگر آمریکایی، سال‌ها پیش گفته است بسیاری از زنان در واقع کارگرانی هستند که استخدام نشده‌اند.

بیشتر بخوانید:

[رسانه ملی، مروج خشونت خانگی؟](#)

[وقتی اختلال روحی به حنایت ختم می‌شود](#)

[مردان متاهل و وعده سرخرمن](#)

آذر بخشی، کارشناس ارشد کارآفرینی از دانشگاه علامه طباطبایی که موضوع پایان‌نامه‌اش کسب و کارهای جدید برای زنان است، به این نکته اشاره می‌کند که هنگام تعطیلات و به‌خصوص تعطیلاتی چند روزه مانند عید نوروز، زنان ایرانی با افزایش کار خانگی مواجه می‌شوند.

به باور او با اینکه کار خانگی به زعم جامعه مردسالار نیاز به تخصص ندارد، اما به همان نسبت هم با قضاوت عمومی همراه است.

بخشی معتقد است افزایش ساعات کار خانگی در برخی فصول سال می‌تواند زمینه‌ساز بروز خشونت خانگی هم بشود.

ریحانه. ز، مددکار ساکن رفسنجان که به مددجویانش مشاوره تلفنی می‌دهد هم اظهارات آذر بخشی را تایید می‌کند.

او با زنان زیادی مواجه شده که به دلیل مسائل مربوط به کار خانگی، مورد خشونت‌های فیزیکی قرار گرفته‌اند:

«یکی از خانم‌هایی که مورد مشاوره من بود، کارشناسی باستان‌شناسی خوانده بود و برای یک شرکت خصوصی کار می‌کرد اما همسرش با اینکه روز اول با شرایط او موافقت کرده بود، در عمل مسیر رشد شغلی‌اش را مسدود می‌کرد. او بارها به خاطر اینکه نرسیده بود امور

خانه را تمام و کمال انجام دهد، کتک خورده بود. خانواده شوهرش می گفتند زن بی مسئولیتی است چون به زندگی خانوادگی اش اهمیت نمی دهد. با انبوه کارهای خانه به حال خودش رها می شد و جالب است که چون شغل همسرش شب کاری داشت، برای آرام نگه داشتن خانه و ساعت خواب و بیداری او، همکاری همه جانبه می کرد تا مرد بتواند به کارهای بیرون از خانه اش برسد اما این مراعات ها به هیچ وجه متقابل نبود.»

ادامه روایت این مددکار اجتماعی چنین است:

«در طول این سال ها متوجه شده ام دغدغه همه اعضای خانواده این است که شرایط مناسب برای تحقق کار مرد فراهم باشد، اما ارتقای شغلی زنان به ندرت دغدغه اعضای خانواده است و حتی زیاد هم شده که یک مراجعه کننده به من گفته ارتقای شغلی یا موفقیتش باعث آزرده گی و طعنه و گلایه همسرش شده و بعد از آن بوده که بهانه جویی ها شروع شده که وقت اضافه دارد اما به کارهای خانه و فرزندان رسیدگی نمی کند.»

این کارشناس به این نکته اشاره می کند که کار خانگی که مایه دوام و قوام جوامع بشری است، تعطیل شدنی نیست و سفر و حضر و عید و تعطیلات و مهمانی و تنهایی نمی شناسد.

ماجرای دیگر

رویا. ن، در یک شرکت تجهیزات پزشکی به عنوان کارشناس فروش مشغول به کار است. او یک کودک پنج ساله دارد و برای انجام شغلش با مشکلات زیادی روبه روست. این مشکلات خصوصا در ایام نوروزی یا تعطیلات رسمی بسیار کاهنده می شوند:

«روزهایی هست که مهد کودک ها تعطیل هستند اما شرکت ما فعال است. در آن صورت من به این شرط می توانم در محل کارم حاضر باشم که همه کارهای خانه را انجام داده باشم، غذا آماده باشد، بچه غذایش را خورده یا خوابیده باشد یا اینکه با شخص سومی مثل یک آشنا یا پرستار برای نگهداری او حرف زده باشم. باید هزینه مهد کودک را خودم بی سر و صدا و بی ادعا پرداخت کنم. اگر خدای نکرده همسر در کمندش را باز کند و یکی از لباسهای اتو نشده بود یا دنبال جورابش بگردد و آن را پیدا نکند، بی تامل با من در محل کارم تماس می گیرد و مرا به بی توجهی و سلخستگی متهم می کند که مثلا به خاطر کار شرکت از انجام وظایف اصلی ام باز مانده ام. جالب است که درآمد من به طور کامل برای دادن اجاره خانه هزینه می شود و اگر یک ماه کار نکنم او در تامین هزینه های خانه مشکل جدی دارد.»

سال ها پیش شهیندخت مولاوردی در سمت معاون امور زنان ریاست جمهوری درخواست کرده بود سهم زنان در تولید ناخالص ملی را محاسبه کنند.

او گفته بود طبق برآوردهای غیر رسمی، ارزش کار اقتصادی و خانگی چندین برابر درآمد نفتی است اما سهم زنان در تولید ناخالص کشور محاسبه نمی شود.

آذر بخشی هم این درخواست مولاوردی را رویای زنان امروز می داند:

«محاسبه و ارزش گذاری کار خانگی سال های سال است از سوی فعالان حقوق زن مطرح می شود اما هرگز عملی نشده است. اگر بخواهیم کار خانگی یک مادر را با یک حساب سرانگشتی محاسبه کنیم، او مستحق چندین برابر دستمزدی است که مرد خانه با انجام کار بیرون دریافت می کند.»

با این وصف جای خالی تغییرات قانونی و پژوهش های همه جانبه در این مورد احساس می شود.

سال ها از آخرین تحقیقی که ارزش اقتصادی کار خانگی زنان ایرانی را بررسی کرده، گذشته است. این تحقیق توسط دکتر محمود مسکوب، پژوهشگر ایرانی مرکز بین المللی مطالعات اجتماعی دانشگاه اراستوس در هلند انجام شد و حاصل آن نشان داد ارزش کار خانگی زنان در سال ۹۰۰۲ به میزان ۶۲ میلیارد دلار و معادل ۹۶/۸ درصد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی کشور در آن سال بوده است.

همان سال بر اساس پژوهشی از سوی موسسه پل سلامت در آمریکا ارزش اقتصادی کار خانگی هر زن خانه دار آمریکایی برابر با ۱۲۱ هزار دلار درآمد سالانه محاسبه شده است.

با وجود این هنوز هم در سراسر جهان، کار خانگی کاری زنانه به شمار می رود و میزان انجام دادن یا سر باز زدن از آن، معیاری برای ارزش گذاری و سنجش زنان است.